



«سینه‌های طنز را در این هفته‌ها در مجله‌ها ببینید»



علم بهتر است یا مدرک؟!

سیدمحمد جواد طاهری

**مینا کودرزی**

## دانشکده یا داس؟!!

دانشکده ما همه جوهر تک و خاص است  
تعریف نباشد پر از میز و کلاس است

بیش از همه جا رشته بر فایده دارد  
در حیله تولید علوم اول و اس است

یک رشته بر جانبداری، کشف لولو است  
لوگو که همان مورچه و پشه و ساس است

یک رشته دیگر، انگیز، انگیز کف دست است  
دانشجوی این رشته «کف دست شش» است

دانشجوی خوشبخت رشته فیگور  
دالم وسط راهرو و پله پلاس است

او کیست که بوتاکس زده کل نشی را  
احسنا همان ترم یک درس آملی است!

هر کسی که نشسته سر درس چک و چانه  
دنیا دو - سه تا فک آکیند زاپاس است

در کار دور کردن جیب پدر ماست  
دانشکده نام بیشتر انگار که داس است

چون کله پر مو بر درس است و کلاس است  
البته بماند که درونش همه تاس است



# دانشجو را باید نیوشید!!

از موقعی که یادمان می‌آید جلسه اول همه کلاس‌ها پس از تعریف تز دکترای استاد و کنفرسی که در آن درس خوانده و اینکه مردمش چقدر ناپس بودند، همچنین اینکه این واحد درسی در خارج خیلی مهم است ولی اینجا به آن بها نمی‌دهند که ما عقیده‌ماندیم، به این می‌گذشت که استاد حال‌مان کند دانشجو یعنی دانش‌جو! با این تعریف، دیگر استاد هم لازم نبود درس بدهد چون باید خودمان می‌چوردیمش، خوبی‌اش هم این بود که کلاس‌مان بیشتر به بررسی مسائل روز می‌گذشت و آخر ترم نازه دور می‌افتادیم برویم دانش را بچوریم! بالاخره یک هفته تحمل استرس خیلی بهتر از یک ترم کامل درس گوش دادن است. البته همچین استرسی هم نبود.

پس از سال‌ها تلاش برای پاس کردن ریاضی ا و چون دل خورن برای اخذ ریاضی مهندسی با اون استاده که خوب نمره می‌ده، به این نتیجه رسیدیم که دانشجو یعنی دامن‌ش، حج‌وا!

فرشته موسوی

به مناسبت ۱۶ آذر که روز دانشجو است



که برای اولین بار گفت اورتج، داشتت به این فکر می‌کرد که وقتی در آینده رفت خارج، باید آرنجش را جای پرتقال بخورد، اولش یک‌کمی چندشش شد ولی بعد که دودوشا چهار تا کرد و به این نتیجه رسید حتما خوب است که خار‌چای می‌خورند دیگر، مدتی هم دنبال راهمایی برای یلمدن لپ‌تاپ برداش می‌گشت ولی چون ذهنی بود، بیخیالش شد.

نوی‌نمک‌پرونی  
وی خیلی احساس خوبی نسبت به خودش دارد، فی‌الواقع یک جور خودشیفته‌طور است. همچنین فکر می‌کند ملت معطل نمک‌های نبرنده شده وی هستند و اگر نمک‌هایش را نپزایند، هم‌کلاسی‌ها و استادیپ، به مرض افسردگی خواهند مرد، بنابراین سرسر کلاس آن‌ها را می‌پزاند. اینگونه می‌تواند نمک‌های اضافه را دفع کرده و علاوه بر جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی، از مرگ دسته‌جمعی جامعه علمی نیز جلوگیری کند. البته این استاد‌های ضد نمک‌پرونی هم خوب حالشان را می‌گیرند.

شین‌شوماخریازی  
وی خودروی ملی یا غیر ملی‌اش را به‌عنوان جایزه قبولی در دانشگاه دریافت کرده حالا دانشگاه و رشته مهم نیست، همین که فرزند دلبندشان معنادن ازرش فروختن یک دستت و یک پا و یک جفت کتلیبه را دارد. غیر از راهرو، یعنی استاد رفته سر کلاس و دارد حضور غیابی می‌کند ولی وی هنوز در راهرو است، دارد کوئیز می‌گیرد راهرو، انتخاب واحد شروع شده راهرو، ملت رفتند سلف نهار بخورند راهرو، لامپ‌های دانشکده را خاموش کردند برنود راهرو-  
چی؟  
راهرو  
کیچا؟  
راهرو  
تلقن؛ سیزده، دو تا در رو

جیم، جوگوری  
همان موقع که دانش‌آموزی بیش نبود، بگو چشمش از باز کرد دید دوم دبیرستان است و هنوز هیچ کلاس کنفرسی ثبت نام نکرده، درحالی‌که هم‌کلاسی‌هایش قریب به ده سال است از چچی چی گرفته تا گزینه بیست و چهار را خورده‌اند. جوگیر شده و قول تایم کلاس نست‌زنی رفت. بعد هم درحالی وارد دانشگاه شد که قصد داشت دانی علم را

**سحر فتیحی**

## باب مفاعله در دانشگاه

همانطور که به روز دانشجو نزدیک می‌شویم، به منظور تبریک این روز و طرفداری از قشر دانشجو که در هر شرایطی حق دارند، ایباتی را با تفسیری، در اینجا گرد آوردم تا به آنها که خلاف این را می‌گویند ثابت کنیم نه تنها قضیه آن طوری که آن‌ها می‌گویند نیست، بلکه طور دیگری است.

**واحدپرداری**  
وی در روز انتخاب واحد با زیرپا گذاشتن تمام اصول اخلاقی و غیر اخلاقی، همچنین جابجا کردن مرزهای دوستی از جمله حذف درس رفیق فلانیکش که سیستم را به وی سپرده و رفته دست به آپ و اخذ آن درس، تعداد خوبی واحد می‌دارد، حتی به حذف و اضافه هم رحم نمی‌کند

**مبایس از آموختن یک زمان**  
ز دانش میفکنم اندر اقل گمان  
شاعر در اینجا نقد دانشجویان را به آموختن توصیه کرده که گمان می‌رود منظور همان دانشجویانی است که تا نه سال لیسانس گرفتشان را به تندی اوقات‌انداخت.

**گر کسی را رغبت دانش بود گو دم من زانکه در نم در کشیدم تا به دانای زدم**  
حواش شاعر اینجا به هم‌کلاسی‌اش بوده و اشاره موبریک دارد به همان جمله افسانه ای «علم بهتر است یا ثروت» که از تاریخ می‌کرده که تا کنون جواب آن بر همگان پوشیده مانده و همواره دانشجویان در انتخاب یکی از این دو سرگردان و حیران به سر می‌برند.

**به بزدان گفتن مفت کای دادگر تو دادی مرا دانش و زور و فر**  
در این بیت نیز تعلیمی آن را دربر گرفته و اشاره موبریک دارد به همان جمله افسانه ای «علم بهتر است یا ثروت» که از تاریخ کهن تا کنون جواب آن بر همگان پوشیده مانده و همواره دانشجویان در انتخاب یکی از این دو سرگردان و حیران به سر می‌برند.

**نم کنده به جای که دانش بود ز داننده کشور به رامش بود**  
در این بیت که اوج تعلق را به خود اختصاص داده، به عشق در یک نگاه اشاره دارد که البته این روزها دانشگاه‌ها را فرا گرفته است و همانطور که می‌بینید اشاره ای به جزوه و ریختن آن بر کف راهرو نشده

**محدنه فلاح**

## لوقاط دانشوی

دانشجو: موجودی متشکل از مقدار زیادی سبب زمینی، انواع استفود و مقادیری دانش استاده؛ دانای کل بی‌اصحاب دانشگاه؛ قبلا در زمین‌های اجناسی می‌چراندند. امتحان: بدین وسیله توانایی دانشجو را در کارستن جدیدترین اموخته‌ها جهت تبادل دانسته‌ها ساینرین می‌سنجند. آبدارچی: وسط بخش چای و شیرینی برای استاید و کارکنان، به رتق و فتق امور جاری دانشگاه می‌پردازد، دستش برسد دو تا پس گردنی هم حواله دانشجو بخت برگشته می‌کند. کلاس: تالار عروسی در زمان تخریب استاد و لغو استحال! کتابخانه: خولگی‌های که با قفسه‌های کتاب و میز و صندلی تزین شده است! اتاق استاده: معدن شیرینی و شکلاتا! رئیس دانشگاه: همچون شهاب سنگ و ستاره دنباله دار هر چند سال یکبار رخ می‌نماید، هر که روی شهاب سنگی‌اش را دیدار نماید نابود شده پروند زایش بر نفس می‌رود و آنکه بخت با او یار باشد و ستاره دنباله دارش را ببیند، ارزوهای محالش برآورده می‌شود! آموزش دانشگاه: محلی که در آن می‌آموزیم چگونه بر اعصاب خود مسلط باشیم! سلف غذاخوری: کارخانه تعدیل گرهایه و چینی‌های زائد دانشگاه، کارگران در آن همیشه مشغول کارند، هجوم گرگان! خوابگاه: البته جاسوسی حاله زنکها، آرایشگاه زنانه، گل کوچیک با دمبایی ابری وسط راهرو و ...

**شاعر خ بایرانی**

## سلبریتی زاسیون کارگری!

ظاهرا برخی قصد دارند حقوق ماهانه دواااااا میلیون ریالی کارگران را یک و دوپست جلوه دهند و بعد نتیجه بگیرند با این پول‌ها نمی‌شود زندگی کرد. با هم سری به یکی از سایت‌های دست‌دوم فروشی می‌زنیم تا به شما ثابت شود ۱۲ میلیون ریال، همچین هم پول کمی نیست و وای بر باوه گویان!

۱- کالیبراس بر جرد، یک‌دستهگاه کالیبراسر کم کارکرد که فقط از آن برای ترساندن گریه‌های محل استفاده شده، یک و دوپست ۱۵۰۰ کارگر می‌تواند با ۵۰ تومان باقی‌مانده‌اش هم کالیبراس بخرد و در اوقات فراغت بزرد. هم سرش گرم می‌شود، هم می‌تواند یک ساندویچی راه بیندازد. با شکر.

۲- بوت اورجینال هارلی دیویدسون، خودم از ترکیه آوردم، مال خود آقا دیوید! یک و دوپست ۲۵۰۰ کارگر اگر بتواند از طریق کالیبراس و ساندویچ ۵۰ تومان کاسبی کند، کافی است آن را بگذارد، روی حقوق ماه بعدش و دی ماه که شروع زمستان است، با بوت اورجینال دیوید فالشش عشق و حال کند!

۳- کیت تنو، یک کیت کامل و حرفه‌ای که اصلا کار نکرده، فقط دو- سه بار برای تست روی به جاهایی از خودم

**محسن انصاری نژاد**

## مردک هیچ‌کاره!

این نوشته‌ها حاصل چهار سال از عمر ترم و مغ و سوسیس خوری من است. از روده مرغ و تاج خروس و سنگدان کلاغ حرف‌های پیچیده‌ای بر نمی‌آید. نخواندید هم چیزی از دست نمانداید.

**درس‌های زندگی یک فارغ از تحصیل**

**درس اول: تغییر در زندگی!**  
یکی از درسهای مهمی که در دانشگاه آموختن تلاش برای تغییر در زندگی بود قبل از ورود به دانشگاه، نصف شبها در فضای مجازی می‌چرخیدم و تا لنگ ظهر می‌خوابیدم. اما بعد از دانشجو شدن همه چیز تغییر کرد. این بار نصف شبها در فضای مجازی می‌چرخیدم اما با نت مفت دانشگاه و تا لنگ پیش از بسته شدن در سلف دانشگاه، می‌خوابیدم.

**درس دوم: جسارت و شجاعت!**  
جسارت و شجاعت یافتن در دانشجویان یکی از خصوصیت‌های دانشگاه است. در دوران مدرسه برای امورات بسیار شخصی مثل دستشویی رفتن باید از معلم اجازه می‌گرفتم حتی با حساب ابرویزی و ایباری! اما دوران دانشجویی جای شجاعت و جسارت است. این کمترین نیز از این موضوع مستثنی نبودم و چندین مورد در کارنامه خود از جمله خروج از کلاس بدون کسب اجازه از استاد، کله معلق زدن در جشن‌های دانشگاه در مقابل دانشجویان و اساتید، شرکت در بازی حقیقت یا شجاعت و گرفتن جزوه‌های متعدد از افراد مختلف را دارم.

**درس سوم: از خودگذشتگی!**  
دانشگاه جای فعالیت و خدمت است. حقیر بعد از آشنایی مختصر با دانشگاه در انجمن و کانون‌های بیشماری مانند کانون مطالعات راهبردی، کمیته غذا، انجمن حفظ مصیبت بین دانشجویان جدید و قدیم، انجمن حفظ سبزه‌های کنار باده‌روی دانشگاه هنر و کانون نغمهان می‌بفتم درگذردنش، عضو شدم. باید تاوان خدمت به جامعه دانشگاهی و علم را داد حتی با درس نخواندن و مشروط شدن. اولین راه خدمت، از خودگذشتگی است.

**دانشجویان موفق گذشته**  
۱- بوت اورجینال هارلی دیویدسون، خودم از ترکیه آوردم، مال خود آقا دیوید! یک و دوپست ۲۵۰۰ کارگر اگر بتواند از طریق کالیبراس و ساندویچ ۵۰ تومان کاسبی کند، کافی است آن را بگذارد، روی حقوق ماه بعدش و دی ماه که شروع زمستان است، با بوت اورجینال دیوید فالشش عشق و حال کند!

۲- کیت تنو، یک کیت کامل و حرفه‌ای که اصلا کار نکرده، فقط دو- سه بار برای تست روی به جاهایی از خودم

**رضا عبوسنی**

## بستنی قیفی با ساندویچ

سام درخشانی با ایزد خوشحالی نسبت به سلام بودن مادر و فرزند، گفت: من تولد در کاشان! را به فرزندم هدیه دادم. حالا می‌خواهیم ببینیم اگر قرار بود هر یک از دیگران! به فرزندشان یک چیزی هدیه بدهند، آن چیز چه بوده است.

**صاف زبیکلاکام:** ۱ میلیارد تومان پول نقد! کارت به کارت!

**بیژن زنگنه:** کپی قرارداد کرنت لارجانی؛ جزوه «خودآموز لای‌تری»

**علی مظهری:** نفوس کشتی کج و کذگرگی

**حسن روحانی:** وعده

**مهناز افشار:** شیر خشک تاریخ مصرف‌دار حسین شرعتمداری؛ از رشیو روزنامه کیهان

**عباس عراقچی:** کلکسیون ماله جوادظریف؛ دستکش مخملی

**محمود صادقی:** ممبر واقعی رایگان «ها» خبرنگار

**عباس آخوندی:** آموزش برتاب میکروفن

**قاضی‌زاده هاشمی:** مقاله ISI

**فاطمه هاشمی:** بستنی قیفی با ساندویچ انشاء

**کواکبان:** فیلم ملغم گیلاس

**مهدی هاشمی:** ایران

**محمد کورنیز**

## پیامگه‌های توی گوشه‌های یک دانشجو

دانشجوی گرامی! فردا همراه با نهار، یک عدد موز از محل درآمد‌های پساترجمی در اختیاران قرار خواهد گرفت. بارنگید دولت تدبیر و امید بده

سره پایه چاره بود که شیش گرفته بودا! استاد بیست داده شونزد، دیگه نمرات رو نمودار نمیرد خواستم بگم خدمتون از

فوری  
به رعشم نیت یلبد تمامیت خواهان، دانشگاه زنده است  
تجمع دانشجویی مقابل سلف در اعتراض به کمبود گوشت در خورش قیمه ساعت ۳ بعد از صرف نهار.

یا هفته دیگه می‌ای تکلیف منو معلوم میکنی یا بسون با همون دانشگاه جوت  
لومدی حکم استخدامت ببار باهام همینجوری قبول نمیکنه

پژوهشگر محترم! وام فرصت مطالعاتی به شما تعلق نمی‌گیرد  
درسته شما درخواست ندای ولی گفتیم که الکی نیای پلاس کنی وقت ما رو هم بگیر.

فروش انواع مدارک لیسانس، فوق و دکتری، مقاله و پایان نامه، ثبت مقالات در ISI، رایج علاوه به مقاله شما  
اشناسی استیون هلوکینگ پای مقاله شما با ارسال رایگان عدد ۴ به همین شماره

تمرین های آنلاین عددی رو حل کردی بده ما هم کپی کنیم  
راستی کلاس زبان فرادا بچوندهس، باز خودشیرین نشی که میندازیمت رو گونی.

**محمد رسول نوروزی**

## آخ جون نیکسون!

تا چند سال پیش فکر می‌کردیم روز دانشجو روزی است که دانشجویان به ورود نیکسون، معاون رییس جمهور آن زمان آمریکا، به ایران اعتراض کردند و سه دانشجو در این اعتراض شهید شدند و این روز باید نماد استکبارستیزی یا حداقلش نماد مطالبه‌گری دانشجویان باشد اما آدم مراسمانی در بعضی از دانشگاه‌ها می‌بیند که به نظر می‌رسد ماجرای این روز اشتباه به گوش بعضی دوستان رسیده است. در ادامه به تصور بعضی دوستان از روز دانشجو می‌پردازیم.

**۱**  
به تصور دسته اول، هنگامی که نیکسون قصد آمدن به ایران را داشته است، دانشجویان از ماجرا مطلع شده و با خوشحالی برای آمریکا سینه‌چاک کرده‌اند که در این بین، سازمان خوشحالی دانشجویان را می‌بینند و به جمع دانشجویان می‌پیوندند اما در میان تیرهوایی زند و از روی خوشحالی، چند تیر زمینی می‌شود و سه نفر می‌میرند، به همین دلیل، این گروه روز دانشجو را با دعوت از سخنرانانی که برای آمریکا سینه‌چاک می‌کنند، گرامی می‌دارند.

**۲**  
دسته دوم بر این اعتقادند که هنگامی که دانشجویان دانشگاه تهران برای جشن تولد مهدی شریعت رضوی در دانشگاه جمع شده بودند، تیرهوایی نظامی با شنیدن صدای ترقه‌هایی که برای جشن می‌زدند، به تصور شورش، وارد دانشگاه شدند که در این بین، سه نفر هم کشته می‌شوند، گروه دوم، با برگزاری جشن و دعوت از عموقناده، عموپوزنگ، خاله شادونه و... این روز را گرامی می‌دارند.

**محمد حسین بناکاران**

## ضمیمه طنز راه راه کاری با شاگه طنز انقلاب اسلامی

سر دبیر: بهزاد نوبخت فر  
دبیر تحریریه: فریوخ زال  
دبیر سوسیس: شاعر، زهر آفرانی  
دبیر سوسیس کارتون: کامران باری  
دبیر فنی: امیرحسین محمدپور  
صفحه‌بندی: مجتبی سالاری

**با ما تماس بگیرید!**  
☎ رایانه: info@rahrabtanz.ir  
☎ سروش: tanzym\_ir  
☎ اینستا: tanzym\_ir  
☎ تلگرام: tanzym\_ir